

عهد و گفتگو



تفسیر پاراشای هفته
توسط ربای ساکس

"من باور دارم" - تفسیرهای تورات از ربای لرد جاناتان ساکس در سال ۵۷۸۰

پاراشای هفته: ویיקرا - ۵۷۸۰

دیدگاه انبیاء در مورد قربانی

Vayikra 5780

Rabbi Lord Jonathan Sacks

The Prophetic View of Sacrifice

قربانی ها که موضوع پاراشای این هفته هستند، در دوران توراتی اهمیت مرکزی برای زندگی یهودیان داشتند. این امر نه تنها از روی فضای اختصاص یافته به قربانی ها در تورات، بلکه با توجه به حجم بزرگ مطالب مربوط به آن در کتاب مرکزی ویיקرا [سفر لاویان] درمی یابیم.

ما از زمان ویرانی بیت همیقداش دوم [معبد دوم یهودیان] در حدود ۲۰۰۰ سال پیش، مراسم قربانی نداشته ایم. اما آنچه امروز عمیقا به درد می خورد، نقد مراسم قربانی است که در کتب انبیاء دوران معبد اول می بینیم. این نقد تند و عمیق، بسیاری از خطابه های نیرومند انبیاء آن دوران را فراگرفته است. یکی از نخستین بیانیه های از این دست از سوی شموئل نبی بیان شد: "آیا خدا از پیشکش های سوختنی و قربانی های شما به اندازه انجام فرامین او خرسند می

شود؟ بی تردید، پیروی [از راه خدا] بهتر از قربانی و رایت، بهتر از چربی قوچ ها است. (کتاب اول شموئل ۱۵:۲۲)

عاموس به نام خدا گفت: " اگر برای من پیشکش های سوختنی بیاوری - یا پیشکش های خوراکی - نخواهم پذیرفت؛ به هدیه های چرب تو هیچ توجهی ندارم. اما باشد که عدالت همچون چاهی پر آب بشود و راستواری همچون رودی پیوسته جاری " (عاموس ۲۴-۵:۲۱). همچنین هوشع می گوید: " زیرا من به نیکی تمایل دارم و نه به قربانی ها؛ پیروی از خدا و نه پیشکش های سوختنی " (هوشع ۶:۶).

ما کنین نقدی بر مراسم قربانی را در مزامیر داوود می یابیم: " اگر من گرسنه بودم به شما نمی گفتم، زیرا جهان و هر چه در آن، مال من است. آیا من گوشت گاوها را می خورم یا خون بزها را؟ " (مزامیر ۱۵-۵۰:۸). "خدایا لب های مرا بگشا و بگذار لبانم ستایش تورا بگویند. تو نمی خواهی که من قربانی بیاورم؛ تو به پیشکش های سوختنی میلی نداری. قربانی حقیقی به پیشگاه خداوند، روح خاکسار [انسان] است؛ خدایا تو بر قلبی خاکسار و شکسته خشم نمی ورزی " (مزامیر ۱۹-۵۱:۱۷).

یرمیا نبی بر آن است که مراسم قربانی قصد اولیۀ خدا نبود: " زیرا وقتی من پدران شما را از سرزمین مصر آزاد ساختم، با آنها سخن یا دستوری در مورد پیشکش ها و قربانی ها نگفتم. این چیزی است که به آنها دستور دادم: از مال خود سهمی را بدهید تا من خدای شما باشم و شما قوم من؛ تنها در راهی گام بردارید که از آن خرسند می شوم تا با شما به نیکی رفتار کنم " (یرمیا ۲۳-۷:۲۲).

قویترین همه آنها بخشی است در ابتدای کتاب یسعیاہ نبی که در شبات خازون پیش از نهم ماه آو می خوانیم: "خداوند می گوید: مرا به این هم قربانی های تو چه نیازی باشد؟ من بسی پیشکش های سوختنی، قوچ و چربی جانوارن پروار دارم؛ مرا به خون گاوهای نر، گوسفندان و بزها هیچ علاقه ای نیست. چه کسی از شما خواسته که وقتی به پیشگاه من ظاهر می شوید، درگاه مرا این گونه آلوده سازی؟ از آوردن پیشکش های بیمعنا دست بکشید! بوی عود شما را دوست ندارم" (یسعیا ۱۳-۱۱:۱).

کلیت این خط فکری در طول قرن ها از زبان های بسیاری تکرار شده و بسیار خارق العاده است. این چنین، مردم نه به خاطر سرپیچی از قوانین خدا، بلکه به دلیل رعایت آن سرزنش می شدند. دستور برای اجرای قربانی ها وجود داشت. پیشکش بردن، عملی مقدس در مکانی مقدس بود. پس چه چیزی خشم و انزجار انبیاء را برانگیخته بود؟

این نبود که آنها مخالف قربانی دادن باشند. یرمیا روزی را پیش بینی می کرد که "مردم از شهرهای یهودا و حومه اورشلیم بیایند... پیشکش ها و قربانی های سوختنی، خوراکی، عود و پیشکش های شکرگزاری به خانه خدا بیاورند" (یرمیا ۱۷:۲۶).

به همین ترتیب یسعیا چنین گفت: "من آنان را به کوه مقدس خود خواهم آورد تا در خانه نیایش من شادمانی کنند. باشد که قربانی ها و پیشکش های سوختنی آنان در قربانگاه من پذیرفته شوند، زیرا خانه من نیایشگاه همه مردمان نامیده خواهد شد" (یسعیا ۵۶:۷).

انبیاء یهود نهاد قربانی کردن را به انتقاد نمی گرفتند. آنها چیزی را نقد می کردند که امروز به همان اندازه آن روزگار واقعیت دارد. آنچه انبیاء را تا اعماق وجود آنها می آزرده این گمان

بود که می توان خدا را عبادت کرد و در همان حال رفتار ناشایست، بیرحمانه، بیتفاوت و دل سختانه نسبت به انسان های دیگر داشت. "تنها این اهمیت دارد که من مورد عنایت خدا باشم". این فکری بود که پیامبران را آکنده از نارضایتی می کرد. وقتی خوب بنگریم، درمی یابیم که آنها می خواستند بگویند که پس، شما نه خدا و نه تورات را نفهمیده اید.

نخستین چیزی که تورات در مورد بشریت به ما می گوید این است که یکایک ما به تصویر و شباهت خدا آفریده شده ایم. بنابر این، اگر به انسانی بدی کنی، به تنها مخلوق جهان که به تصویر و شباهت خدا آفریده شده، آزار رسانده ای. گناه علیه یک انسان، گناه علیه خداوند است.

خدا در نخستین بیانیه رسالت یهودیان، در مورد ابراهیم گفت: " زیرا او را برگزیده ام تا به فرزندان او درس و خطا را بیاموزد (پیدایش ۱۸:۱۹). راه خدا رفتار عادلانه و راستوارانه نسبت به انسان های دیگر است. در آن پیش زمینه به این معنا بود که خدا ابراهیم را به دعاخواندن برای مردم شهر سدوم فرامی خواند، حتی با آنکه می دانست آنها شرور و گناهکارند.

دقیقا در کتاب مربوط به قربانی ها، لاویان، این دو دستور را می یابیم که ممنوعت را مانند خودت دوست بدار و فرد غریب را دوست بدار (لاویان ۱۸:۱۹، ۳۳:۳۴). قربانی هایی که عشق و هیبت ما نسبت به خدا را بیان می کنند، باید با دوست داشتن ممنوع و غریبان همراه باشند. این گذار بیسابقه ای است از دستورهای میان انسان و خدا و دستورهای مربوط به مناسبت انسان ها و انسان ها.

عاموس، هوشع، ישعیا، میکا و یرمیا همگی شاهد جوامعی بودند که در آنها مردم نسبت به آوردن قربانی ها به معبد بسیار دقیق بودند، ولی در آنها رشوه گیری، فساد، بستن راه عدالت، سوء استفاده از قدرت و استثمار بیقدرتان توسط قدرتمندان بیداد می کرد. انبیاء در این وضعیت، تناقضی عمیق و خطرناک می دیدند.

عمل قربانی دادن با ابهام رو به رو بود. یهودیان تنها مردم دنیای باستان نبودند که معبد، کاهنان و مراسم قربانی داشتند. همه چنین می کردند. درست از همین رو بود که دین اسرائیل باستان به سوی آیین های همسایگان بت پرست خود گرایش پیدا کردند. اما نظام قربانی دادن در فرهنگ های دیگر بر اساس باورهای بس متفاوت بود. بسیاری از آیین های قربانی برای منحرف کردن یا فرونشاندن خشم خدایان انجام می شدند. آزتک ها بر این باور بودند که پیشکش های قربانی، خدایان محافظ جهان را تغذیه می کردند. والتر برکهارت متوجه شد که یونانیان باستان پس از کشتن جانوران برای خوردن، دچار احساس گناه می شدند و از این رو برای آرام کردن وجدان خود، قربانی می دادند.

یهودیت با همه این پندارها بیگانه است. خدا را نمی توان رشود داد و آرام کرد. همچنین، نمی توان چیزی به پیشگاه او برد که مال او نباشد. خدا جهان را حفاظت می کند: جهان خدا را حفاظت نمی کند. قربانی هایی که برای اعمال ناروا بخشودگی می آورند، برای بخشودگی برخی دیگر از اعمال ناروا به کار نمی آیند. از این رو نیت و ذهنیت، نقش اساسی در آیین قربانی داشتند. این فکر که "اگر من برای خدا قربانی ببرم او خطاهای دیگر مرا می بخشد" - یعنی این ایده که می توانم به قاضی کل جهان رشوه بدهم - یک عمل مقدس را تبدیل به یک آیین بت پرستانه می کند و نتیجه یکسره معکوسی با منظور تورات به بار می آورد. چنین

رفتاری، نیایش دینی را از راه انجام کار درست و نیک تبدیل می کند به روش آسوده کردن وجدان کسانی که کارهای خطا و بد انجام می دهند.

عبادت خدا جز خدمت خلق نیست. میکا این نکته را به گونه ای به یادماندنی بیان کرد: "به تو گفته: ای انسان این است آنچه خوب است و خداوند از تو انتظار دارد: اجرای عدالت، عشق ورزیدن به نیکی و خاکسارانه با خدا راه رفتن" (میکا ۸-۶:۶). یرمیا به شاه یوشع گفت: "خداوند می گوید آنکه به نفع تنگدستان و نیازمندان حکم می کند، مرا نیک می آید. آیا شناخت من جز این است؟" (یرمیا ۲۲:۱۶). یرمیا گفت که شناخت خدا یعنی حمایت از نیازمندان.

مشه بن مایمون در انتهای راهنمای سرگشتگان اساسا همین معنا را بیان کرد (فصل سوم، بخش ۵۴). او از یرمیا نقل می کند: "فرد، تنها در این امر می تواند به خود بیالد که فهم شناختن من را دارد تا بدانند من خداوند هستم که مهر می ورزم و عدالت و راستواری را در زمین برقرار می کنم و من در اینها شادمانی می کنم" (یرمیا ۹:۲۳). شناخت خدا یعنی شناخت این که رفتار مهرورزانه، عادلانه و راستوارانه چیست.

خطر آیین قربانی از دید انبیاء این است که می تواند مردم را به این گمان بیندازد که دو حیطة وجود دارد: معبد و باقی دنیا که به یکدیگر راه ندارند؛ عبادت خدا و دلسوزی برای هموع خود [بدون ارتباط یکدیگر]. یهودیت، مفهوم دو حیطة بی ارتباط با یکدیگر را رد می کند. از دید هلاخایی [شرع یهود] این دو متمایز هستند اما از دید روانشناختی، اخلاقی و روحانی بخش هایی هستند از یک نظام واحد و تفکیک ناپذیر.

من باور دارم که عشق به خدا یعنی دوست داشتن همנוعان خود. احترام به خدا یعنی احترام به همנוعان خود. اگر نخواهیم به صدای دیگران گوش بدهیم، نمی توانیم از خدا بخواهیم که به صدای ما گوش بسپارد. اگر نخواهیم دیگران را ببخشیم، نمی توانیم از خدا بخواهیم که ما را ببخشد. شناخت خدا یعنی بخواهیم که از او تقلید کنیم؛ به بیان یرمیا و مشه بن مایمون: اجرای رفتارهای مهرآمیز، عادلانه و خاکسارانه در روی زمین.

شبات شالوم



برای دیگر آثار رای ساکس لطفاً از این تارنما بازدید فرمایید - www.rabbisacks.org
کلیه حقوق محفوظ است • دفتر رای ساکس توسط بنیاد عهد و گفتگو حمایت می شود

*ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط

شیریندخت دقیقیان Shirin D. Daghighian Persian Translation by